

مفهوم روسی *счастье* در بوته معناشناسی تاریخی

احمد پاکتچی

استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده

معناشناسی تاریخی، یا به تعبیر دیگر مطالعه در فرایند شکل‌گیری معنا، ابزاری کارآمد برای شناخت مفاهیم مربوط به فرهنگ‌های گذشته و پیوستگی‌های آن با فرهنگ‌های کنونی است. در مقاله حاضر، معنای واژه روسی *счастье* با همین رویکرد مورد بررسی قرار گرفته است. نخست با بررسی ریشه‌شناختی بر روی واژه، نشان داده شده که چگونه این واژه در مراحل تاریخی شکل‌گیری زبان، با ترکیب پیشوند «с» و واژه «часть» به عنوان معنای اسمی پایه ساخته شده است. سپس در مقایسه میان فرآیند ساخت معنای *счастье* در روسی و برخی واژه‌های هم‌ارز در چند زبان دیگر هندواروپایی، نشان داده شده است که چگونه مفهوم *часть* (بخت، قسمت) در جهان‌بینی اسلاوی، زمینه‌ساز شکل‌گیری این معنای مرکب گشته است. در ادامه، سیر تغییرات رخ داده درباره معنای *счастье* بررسی شده و مسیر آن تا ساخت مفاهیم نوین پی گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی

خوشبختی، بخت، سرنوشت، معناشناسی تاریخی، ریشه‌شناسی

مقدمه

واژه *счастье* با معنا و مفهوم نزدیک به «خوشبختی» در زبان فارسی، افزون بر کاربری لغوی روزمره، در حوزه مباحث اخلاقی روسی نیز نقش واژه مرکزی را ایفا می‌کند. معناشناسی تاریخی، با مطالعه در فرایند شکل‌گیری معنا، ابزاری کارآمد است که می‌تواند در شناخت مفاهیم مربوط به فرهنگ‌های گذشته و پیوستگی‌های آن با فرهنگ‌های کنونی، نتیجه‌بخش باشد. البته نتایج این‌گونه مطالعات را نباید به طور مستقیم در معنای کنونی وارد دانست، اما باید توجه داشت که در کاربردهای امروزی واژه‌ها و از جمله این واژه رسوبات مهمی از معنای تاریخی برجای مانده است.

در برداشت امروزی از واژه *счастье*، همچون واژه‌هایی همانند در دیگر زبان‌های مهم اروپایی، تحت تأثیر تحولات فرهنگی سده‌های ۱۹ و ۲۰ م، معنای «راضی بودن»، «برخوردار بودن از لذت‌های زندگی» یا قدری دقیق‌تر «به اندازه کافی برخوردار بودن از آنچه فرد آن را در زندگی خود مهم می‌داند» بیشتر اراده می‌شود. این‌که در اینجا چه نوع رضایت و یا لذتی اراده شده، یا ملاک رضایت و لذت ملاک فردی یا اجتماعی است و پاره‌ای سؤالات دیگر، در حوزه مباحث فلسفه اخلاق پی‌جویی شده است. اما در بازگشت به ریشه‌های تاریخی، باید گفت این مفهوم در طول تاریخ خود دچار تغییرات اساسی گشته و از معنایی مرتبط با «بخت» و «سرنوشت» به تدریج به معنای کنونی سوق یافته است.

بررسی ریشه‌شناختی واژه *счастье*

برای ورود به بحث یادآور می‌شویم که واژه *счастье* از ترکیب «*съ*» به معنای «خوب» و «*часть*» به عنوان معنای اسمی پایه و دارای معنایی نزدیک به «بخت» و «قسمت» فارسی ساخته شده است.

نحوه ساخت واژه را می‌توان این‌گونه نشان داد:

съ + част (ъ) + е > съчастье > счастье

در باره جزء اول، $c > c\bar{b}$ ، باید گفت که این پیشوند به معنای «خوب، نیک» در ریشه از مشترکات زبان‌های اسلاوی است، نمونه‌های کاربرد آن نیز در دیگر واژه‌های روسی چون *сдоба* نیز دیده می‌شود (شانسکی^۱، ۱۹۹۴، ص ۳۱۰).

بر پایهٔ آواشناسی تاریخی روسی، شکل قدیمتر این واژه *-cy* است که در گذشته‌ای دورتر، باید آنرا گونه‌ای از واژهٔ هندواروپایی *-su/-sū* دانست که صورت‌های مختلف آن در زبان‌های هندواروپایی عبارتند از:

پیش هندواروپایی: *-su*، سنسکریت^۲: *-su*، اوستایی^۳: *-hu*، فارسی باستان^۴: *-u*، یونانی: *-u* (مثلاً در *υπιης*)، گلی^۵: *-su*، اسلاوی کهن کلیسایی^۶: *sb* (لیدل^۸، ۱۸۶۴، ص ۱۴۹۷؛ مونیر ویلیامز^۹، ۱۸۹۹، ص ۱۲۱۹؛ بارتولوم^{۱۰}، ۱۹۰۴، ص ۱۸۱۷؛ کنت^{۱۱}، ۱۹۵۳، ص ۱۷۵؛ پوکورنی^{۱۲}، ۱۹۵۹، ج ۱، صص ۱۰۳۷-۱۰۳۸).

حذف واکهٔ *b* و تنزل هجای *c\bar{b}* به تک هم‌خوان *c* مبتنی بر قاعده‌ای صورت گرفته که بر اساس آن واکهٔ *b* به تدریج ارزش آوایی خود را در زبان روسی از دست داده و در اواخر سدهٔ ۱۹ تنها ارزش نوشتاری داشته است. حذف شکل نوشتاری این واکه از اغلب

1- Shansky

2- Proto-indo-european

3- Sanskrit

4- Avestan

5- Old Persian

6- Gaulish

7- Old Church Slavonic

8- Liddel

9- Monier-Williams

10- Bartholomae

11- Kent

12- Pokorny

واژه‌ها نیز در اصلاحات خط روسی در اوایل قرن ۲۰م اتفاق افتاده است (ایوانف^۱، ۱۹۹۰، ص ۱۶۸ به بعد).

در باره جزء دوم، یعنی «часть» باید گفت در زبان روسی این واژه کاملاً متداول است که معنای نخست آن، «بخش» و «قسمت» و «قطعه» است. часть واژه‌ای مشترک میان زبان‌های اسلاوی است که خود از ریشه هندواروپایی «*kend-» (به معنی کردن و پاره کردن) و پسوند اسم ساز -тъ ساخته شده است (شانسکی^۲، ۱۹۹۴، ص ۳۶۰). این واژه با بن فعلی -куч هم ریشه است (همان، ص ۱۶۱).

واژه «часть» با حفظ معنای اصلی، در کاربرد به عنوان یک اصطلاح دینی، معنایی ثانوی یافته و بازتابی از مفهوم «قسمت»، «بخت» و «اقبال» گشته است. این تغییر معنایی را باید گونه‌ای از مجاز^۳ به شمار آورد (کمیل^۴، ۱۹۹۸، صص ۲۵۸-۲۵۹). اگر چه به دشواری می‌توان درباره زمان این انتقال سخن به میان آورد، اما وجود واژه‌های هم‌ریشه - هم‌معنا در دیگر شاخه‌های زبان‌های اسلاوی، چون چکی و لهستانی نشان از آن دارد که این اتفاق در دوره مشترک تاریخ زبان‌های اسلاوی^۵، پیش از جدایی این زبان‌ها افتاده است. البته واژه‌های هم‌ریشه - هم‌معنای счастье > съчастье در زبان‌های اسلاوی در اثر تحولات آوایی - نوشتاری گاه به شکلی درآمده‌اند که دو جزء تشکیل دهنده در آنها به سختی قابل تشخیص است؛ مانند Щастя در اوکراینی (اولینیک^۶، ۱۹۷۸، ص ۴۲۳)، štěstí در چکی (اشتپان^۶، ۱۹۱۱، ص ۳۶۵) و szczęście

1- Ivanov

2- Metaphor

3- Kampbell

4- Slavic languages

5- Olijnik

6- Štěpán

در لهستانی (گرزبینیووسکی^۱، ۱۹۶۳، ص ۲۲۷)، برخلاف گونه روسی که دست کم در شکل نوشتاری، اصالت دو جزء بیشتر حفظ شده است.

مفهوم دینی «часть» در فرهنگ اسلاوی

تحول معنایی از «часть» = «بخش» به «часть» = «بخت»، بر پایه یک اندیشه کهن هندواروپایی تحقق یافته، مبنی بر این که سرنوشت افراد از بدو تولد در عالم ماوراء تعیین می‌گردد و به تعبیری بر پیشانی آنان نوشته می‌شود. این همان اندیشه‌های مرتبط «قسمت» و «سرنوشت» است که از روزگاران کهن تا امروز، در طی زمان درازی که پیشینه آن به باورهای دینی پیشین هندواروپایی بازمی‌گردد، این باورها در میان شاخه‌های مختلف اقوام هندواروپایی، از جمله ایرانیان وجود داشته و رسوبات آن تاکنون در این فرهنگ‌ها برجای مانده است.

درباره گونه خاص این اندیشه در میان اسلاوها، می‌دانیم که از جمله باورهای دینی رایج در میان مردم اسلاو، آن بود که بخت و سرنوشت هر انسان توسط پریانی که سه یا هفت روز پس از تولد در کنار نوزاد ظاهر می‌شوند، رقم زده و بر پیشانی شخص نوشته می‌شوند. پریان حامل بخت، نزد اسلاوها با نام‌های مختلف خوانده شده‌اند؛ در روسی جنس اصلی این پری با نام مؤنث *роженица* خوانده می‌شده و گونه مذکر آن *род* نامیده می‌شده است. هر دو این نام‌ها در متنی به روسی کهن، مربوط به قرن ۱۳ م، به نام «سخن اشعیای نبی» آمده است. منابع دین شناختی حکایت از آن دارد که این تلقی اسلاوی تا سده ۲۰ م همچنان در میان عامه مردم دوام داشته است (گیمبوتاس^۲، ۱۹۸۷، ص ۳۵۹).

کاربرد واژه «часть» در این معنا را می‌توان به تکرار در متون ادبیات روسی تا سده

1- Grzebieniowski

2- Gimbutas

۱۹ م بازیافت، که از آن جمله نمونه‌هایی در عباراتی از کریمف^۱ و مامین سیبیریاک^۲ است:

Две были девушки, служанки, коих часть
была сутра и до глубокой ночи

Рук не покладывая, пряхть.

(کیتینا ۱۹۶۱، ج. ۴ ص ۸۹۶)

«دو دختر خدمتکار بودند، سرنوشت آن‌ها این بود که از بامدادان تا پاسی از شب گذشته، خستگی‌ناپذیر نخ بریسند».

А я так полагаю. Что от своей судьбы человек не уйдёт.

».... Значит, уж симону Михеичу выпала такая часть

(همان، ص ۸۹۶)

«مرا گمان چنین است. که انسان را از سرنوشت خود گریز نیست...».

در فرهنگ‌های روسی اوایل سده ۲۰ م، هنوز معنای طالع و بخت در شمار معانی گوناگون «часть» آمده است (آخوندوف^۳ ۱۹۲۸، ص ۶۰۲)؛ اما در فرهنگ‌های جدیدتر، این معنا یا اصلاً نیامده و یا به عنوان کاربردی کهنه و منسوخ معرفی گشته است (کیتینا^۴ ۱۹۶۱، ج ۴ ص ۸۹۶؛ عروجف^۵ ۱۹۹۱، ج ۳ ص ۴۸۴).

مقایسه میان معناسازی روسی و دیگر زبان‌های هندواروپایی

در مقایسه میان فرایند ساخت معنای счастье در روسی و واژه‌های هم‌ارز در

1- Krymov

2- Mamin-Sibiriyak

3- Akhundov

4- Kitina

5- Orudzhev

چند زبان دیگر هندواروپایی، نشان داده شده است که چگونه مفهوم *часть* (بخت، قسمت) در جهان‌بینی اسلاوی، زمینه‌ساز شکل‌گیری این معنای مرکب گشته و در فرایند ساخت آن، الگویی متفاوت با زبان‌هایی چون یونانی دنبال شده که در آن‌ها معنای اسمی پایه برای ساخت واژه معادل، مفهوم *daimon* (خدایگان/جن) بوده است.

در این باره نخست باید به واژه یونانی *ευδαιμονία* اشاره کرده که در فرایند زیر ساخته شده است:

$\epsilon\upsilon + \delta\alpha\iota\mu\omicron\upsilon + \iota\alpha > \epsilon\upsilon\delta\alpha\iota\mu\omicron\upsilon\iota\alpha$

$\epsilon\upsilon$ به معنای خوب، نیک $\delta\alpha\iota\mu\omicron\upsilon/\delta\alpha\iota\mu\omega\upsilon$ + به معنای خدایگان/جن $\iota\alpha$ +

پسوند اسم‌ساز

(لیدل ۱۸۶۴، ص ۵۴۲).

همانند این شرایط در حوزه زبان سانسکریت و اوستایی نیز دیده می‌شود؛ چنان‌که واژه *subhaga* از ترکیب پیشوند *su-* به معنای خوب و *bhaga* به معنای خدا در سانسکریت، و واژه *hubaya* از ترکیب پیشوند *hu-* و *baya* به معنای خدا در اوستایی ساخته شده است (مونیر ویلیامز ۱۸۹۹ ص ۱۲۲۹؛ بارتولومه ۱۹۰۴، ص ۱۸۲۸؛ اوته^۱ ۱۹۹۹، ص ۳۱۲).

الگوی به‌کار گرفته شده در روسی، با الگوهای مورد استفاده در ساخت معانی چون «خوشبختی» فارسی و *bonheur* فرانسه با یکدیگر قابل مقایسه‌اند، زیرا در آنها ترکیبی از مفهوم «خوب» و مفهوم «بخت» و «اقبال» به‌کار گرفته شده است. درباره الگوی اخیر نیز با نگاهی ظریف‌تر می‌توان دو الگوی متمایز را از یکدیگر بازشناخت:

الف. الگوی خوب + بخت < «خوشبخت» (صفت)

خوشبخت (صفت) + پسوند اسم‌ساز < خوشبختی

ب. الگوی خوب + بخت < «بخت نیک» (صفت و موصوف) < خوشبختی (معنای ثانوی اسمی)

به عنوان نمونه‌ای از الگوی ب می‌توان به فرایند ساخت معنا در زبان فرانسه اشاره کرد که در آن این مراحل طی شده است:

bon, به معنای خوب, heur + به معنای اقبال > bonheur > bon+heur > (دوزا^۱ ۱۹۳۸، ص ۹۷، ۳۸۹).

الگوی الف که ساخت روسی نمونه‌ای از آن است، در زبان فارسی نیز دیده می‌شود:
خوش، به معنای خوب + بخت < خوشبخت (صفت)
خوشبخت + ی، پسوند اسم ساز < خوشبختی

تحول در جهان‌بینی روسی درباره خوشبختی

از سده ۱۸ م، جانشینی برداشتی جدید درباره خوشبختی در میان روسی‌زبانان، زمینه‌ساز آن گشته تا مفهوم «часть» به تدریج روی به فراموشی گذارد و واژه счастье به جای مفهوم مرکب «بخت نیک داشتن»، حامل مفهوم بسیطی نزدیک به «راضی بودن از زندگی» گردد. در این دوره، مفهوم счастье، با دور شدن از مفاهیم ماوراء طبیعی، بار فرهنگی زمینی‌تری یافته و با زندگی اجتماعی و فرهنگی عصر جدید هماهنگی بیشتری یافته است. برجسته‌ترین ویژگی این مفهوم، همنشینی با مفهوم ЛЮБОВЬ (عشق) است که نمونه‌های آن را می‌توان در مقاطعی از تاریخ ادبیات روسی در سروده‌های ژوکوفسکی^۲ (۱۷۸۳-۱۸۵۲ م)، پوشکین^۳ (۱۷۹۹-۱۸۳۷ م) و اولینیکوف^۴

1- Dauzat

2- Zhukovsky

3- Pushkin

4- Oleynikov

(۱۸۹۸-۱۹۳۷م) بازیافت. این نمونه‌ها عبارتند از:

Но я тобой забыт, — где счастья привиденье?

Ах! счастием моим любовь твоя была!

(*ژوکوفسکی*، ج. ۱ سروده‌های ۱۸۰۶)

Она любила, знала счастье;

Но русский жизни молодой

(*پوشکین*، ج. ۳ ص. ۹۲)

Ты, Дева, друг любви и счастья,

Не презирай, не презирай меня,

(*اولینیکف*، سروده‌های ۱۹۳۰)

شکل‌گیری همین مفهوم است که بخت از پیش مسجل شده را کنار زده و خوشبختی را به‌عنوان پدیداری مطرح ساخته که قابل «جستن» و «دست یافتن» است. به‌عنوان نمونه می‌توان این مفهوم را در سروده‌ای از *لرمانتف*^۱ (۱۸۱۴-۱۸۴۱م) چنین بازیافت:

Увы, — он счастья не ищет

И не от счастья бежит!

(*لرمانتف*، ج. ۱، ص ۱۱۰)

در راستای شکل‌گیری همین مفهوم است که *باراتینسکی*^۲ (۱۸۰۰-۱۸۴۴) از خوشبختی از دست رفته در روزهای گذشته سخن می‌گوید؛ آنجا که سروده است:

Я помню счастье прежних дней,

Хоть, может быть, его забыла

(*باراتینسکی*، ج. ۱، صص ۱۴۶-۱۴۷)

1- Lermantov

2- Baratynsky

مرحله بعدی معناسازی در حوزه معنایی خوشبختی، بر پایه **счастье** به‌عنوان معنای اسمی پایه آغاز شده و شکل کوتاه شده **счаст** به عنوان بن، مبنا قرار گرفته است. واژه‌های ساخته شده با استفاده از این بن، عبارتند از:

счаст(ь)-ице

счаст-лив- (که با پسوندهای مختلف ترکیب شده است)

не-счаст(ь)-е

без-счаст-н-ый

(تیکخونف^۱ ۱۹۸۵، ج ۲ ص ۲۰۱). بررسی دو ترکیب اخیر نشان‌دهنده نکات درخور توجهی درباره معنای **счастье** است. ساخت مفهوم جدید **счастье**، زمینه‌ساز ساخت مفهوم متضاد آن نیز بود و بدین ترتیب، بر پایه همین اسم و حرف نفی **не-**، مفهوم **несчастье** (بدبختی) ساخته شد. نمونه‌های کاربرد این مفهوم سلبی، از نمونه‌های جالب توجه مربوط به سده ۱۹م، در سروده‌های پوشکین، *باراتینسکی* و *لرماتنف* اینهاست:

Любуюсь вами, как дитя!..

Сказать ли вам мое несчастье

(پوشکین، ج. ۲، ص ۱۴۷)

Шутя несчастных и счастливых

Вертушки милые творят.

(*باراتینسکی*، ج ۲، ص ۲۵)

Я вспомнил прежние несчастья,

Но не найду в душе моей

(*لرماتنف*، سروده های ۱۸۳۰)

از آنجا که واژه‌ای به صورت **счастнѣй** در روسی به کار نرفته است، می‌توان نتیجه گرفت که واژه **несчастнѣй** نه از سلب **счастнѣй**، بلکه از افزودن ترکیب پسوندی **-н-ый** به **несчаст(е)** ساخته شده و از آن معنای «متصف به صفت بدبختی» اراده شده است.

گونه‌ای دیگر از ساخت معنای سلبی از **счастье**، تصور زندگی «بدون خوشبختی» با استفاده از **без** (به عنوان حرف اضافه یا پیشوند) است. در اینجا نیز می‌توان به کاربردی در سروده‌های بونین^۱ (۱۸۷۰-۱۹۵۳ م) اشاره کرد که در آن از چنین زندگی سخن رفته است:

Жизнь без горя и без счастья,

В суеде дневных забот

(بونین، سروده‌های ۱۸۸۸)

همین‌گونه از تلقی سلبی **счастье** است که زمینه ساخته شدن مفهوم ترکیبی **безсчастнѣй** (فاقد خوشبختی) را فراهم ساخته است.

نتیجه‌گیری

بر پایه مواد و تحلیل‌های ارائه شده در این مقاله، می‌توان سیر تحول رخ داده در مفهوم **счастье** را در زبان روسی ترسیم کرد. مرحله نخست از شکل‌گیری مفهوم **счастье**، پدید آمدن مفهومی مرکب با پایه معنایی «بخت» و هم‌ارز با «برخورداری از بخت و سرنوشت نیک» است که زمان ساخت آن را باید دوره مشترک تاریخ زبان‌های اسلاوی دانست.

در طی سده‌های متمادی، دو مفهوم **счастье** و **часть** به طور موازی به حیات

خود ادامه داده‌اند و به تدریج با دور شدن از زمان ساخت مفهوم *счастье*، فرایند ساخت و ترکیب آن به فراموشی سپرده شده و *счастье* در مسیر تلقی به عنوان مفهومی مستقل قرار گرفته است. با تکیه بر این واقعیت که مفهوم *часть* در حوزه معنایی بخت، تا سده ۱۹ م استقرار داشته و در زمانی بس متأخر اهمیت خود را از دست داده است، نباید تصور کرد که مفهوم *счастье* تا اواخر سده ۱۹ م همچنان در فهم جامعه روسی زبان همچنان بار معنایی مرکب و ریشه‌شناختی خود را دارا بوده است. استقلال مفهوم *счастье* نسبت به مفهوم ریشه‌شناختی *часть* با مطالعه فرایندهای متأخر معناسازی در حوزه *счастье* تأیید می‌شود که در آنها معنای بسیط و پایه برای ساخت معانی ترکیبی *счастье* و نه *часть* بوده است.

مفهوم مستقل *счастье*، از حدود سده ۱۸ م بار دیگر دچار تحول شد و در فرهنگ و آثار ادبی روسی، با دور شدن از مفهوم آسمانی، به تدریج جنبه زمینی قوی‌تری یافت. این فرایند زمینی شدن مفهوم *счастье*، در قالب تحولات فرهنگی غرب پس از رنسانس و پی‌جویی تأثیرات آن با قدری تأخر در حوزه فرهنگ روسیه قابل درک است. بدین ترتیب، تحول رخ داده در مفهوم *счастье* را می‌توان به عنوان یک شاخص فرهنگ‌شناختی در حوزه مطالعات دینی اسلاوی و مطالعات فلسفه اخلاق روسی مورد استفاده قرار داد.

منابع

- Bartholomae, Ch., *Altiranisches Wörsrterbuch*, Strassburg, 1904, reprint Berlin, 1961.
- Campbell, L., *Historical Linguistics*, Edinburgh, 1998.
- Dauzat, A., *Dictionnaire étymologique*, Paris, 1938.
- Gimbutas, M., "Slavic Religion", *Encyclopedia of Religion*, ed. M. Eliade, vol. 13, New York, 1987.

- Grzebieniowski, T., *Mały słownik polsko- angielski*, Warszawa, 1963.
- Huet, G., *Lexique sanscrit-français a l'usage de glossaire indianiste*, [Paris], 1999.
- Kent, R.G., *Old Persian*, New Haven, 1953.
- Liddel, H.G. & R.Scott, *A Greek- English Lexicon*, Oxford, 1864.
- Monier-Williams, *A Sanskrit- English Dictionary*, Oxford, 1899, Reprint 1979.
- Pokorny, J., *Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*, Bern/ München, 1959.
- Štěpán, J., *Nový kapesní slovník česko- německý a německo- český*, Morava, 1911.
- Ахундов, Р., *Русско- тюркский словарь*, Баку, 1928.
- Баратынский Е.А. *Полное собрание сочинений*, Москва, Augsburg, 2000.
- Бунин И.А., *Стихотворения и переводы*, Москва, 1985: <http://www.Litera.ru/stixiya/>
- Жуковский, В.А., *Баллады и стихотворения*, Москва, 1990: <http://www.Litera.ru/stixiya/>
- Иванов, В.В., *Историческая грамматика русского языка*, Москва, 1990.
- Китина, Л.Л. и В.В. Замкова, *Словарь русского языка*, том 4, Москва, 1961.
- Лермонтов М.Ю. *Избранные произведения*, Москва, 1967.
- Лермонтов М.Ю. *Собрание сочинений, в четырёх томах*, Москва, 1969: <http://www.Litera.ru/stixiya/>
- Олейников Н.М., *Пучина страстей*, Ленинград, 1991: <http://www.Aai.e/~vladislav/poesia/>
- Олейник, І.С. и М.М. Сидоренко, *Українсько- російський і російсько- Український фразеологічний словник*, Киев, 1978.
- Оруджев, А.А., *Русско- азербайджанский словарь*, Баку, 1991.

Пушкин А.С., *Собрание сочинений* в десяти томах, Москва, 1956-62.

Тихонов, А.Н., *Словообразовательный словарь русского языка*, Москва, 1985.

Шанский, Н.М.... *Этимологический словарь русского языка*, Москва, 1994.